

## تحلیل جرم‌شناختی بزهکاری نوجوانان و نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از آن

طلا لیراوی<sup>۱</sup>\*

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد بوشهر. (کارشناس حقوقی شهرداری).

### چکیده

بزهکاری نوجوانان به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و جرم‌شناختی، همواره توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است؛ زیرا نوجوانی مرحله‌ای حساس از رشد انسانی است که در آن هویت اجتماعی فرد شکل می‌گیرد و آسیب‌پذیری نسبت به عوامل محیطی و اجتماعی افزایش می‌یابد. این پژوهش با هدف تحلیل جرم‌شناختی بزهکاری نوجوانان و بررسی نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از آن انجام شده است تا با رویکردی علمی، ابعاد مختلف این پدیده و راهکارهای مؤثر برای کاهش آن مورد بررسی قرار گیرد. روش پژوهش به صورت مروری بوده و از طریق تحلیل محتوای پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع، تلاش شده است تا مجموعه‌ای از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان و نقش نهادهای اصلی در پیشگیری از آن استخراج شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان پدیده‌ای چندعاملی است که به طور هم‌زمان تحت تأثیر ویژگی‌های فردی مانند هیجان‌طلبی، تکانشگری و ضعف مهارت‌های کنترل هیجان؛ عوامل خانوادگی نظیر تعارضات خانوادگی، غفلت تربیتی، نبود نظارت والدین و فقر؛ عوامل آموزشی مانند شکست تحصیلی، بی‌انگیزگی و ترک تحصیل؛ و عوامل اجتماعی از جمله فقر ساختاری، نابرابری اجتماعی و تأثیر گروه همسالان بزهکار قرار دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که نهادهای اجتماعی خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و نظام عدالت کیفری هر یک به عنوان ابزارهای مهم پیشگیری می‌توانند از طریق آموزش، نظارت، حمایت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های رشد سالم برای نوجوانان، نقش قابل توجهی در کاهش عوامل خطر ایفا کنند. مرور مطالعات نشان می‌دهد که رویکردهای پیشگیری اجتماعی و جامعه‌محور به‌ویژه در حوزه نوجوانان بسیار مؤثرتر از مداخلات کیفری صرف عمل کرده‌اند. در نتیجه‌گیری، پژوهش تأکید می‌کند که پیشگیری از بزهکاری نوجوانان نیازمند اتخاذ یک رویکرد جامع، چندسطحی و هماهنگ میان نهادهای اجتماعی است. تقویت بنیان خانواده، ارتقای کیفیت نظام آموزشی، افزایش فرصت‌های فرهنگی و ورزشی برای نوجوانان، اصلاح رویکردهای قضایی در حوزه عدالت نوجوانان و توسعه سیاست‌های حمایتی از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به کاهش بزهکاری و ارتقای امنیت اجتماعی کمک کنند.

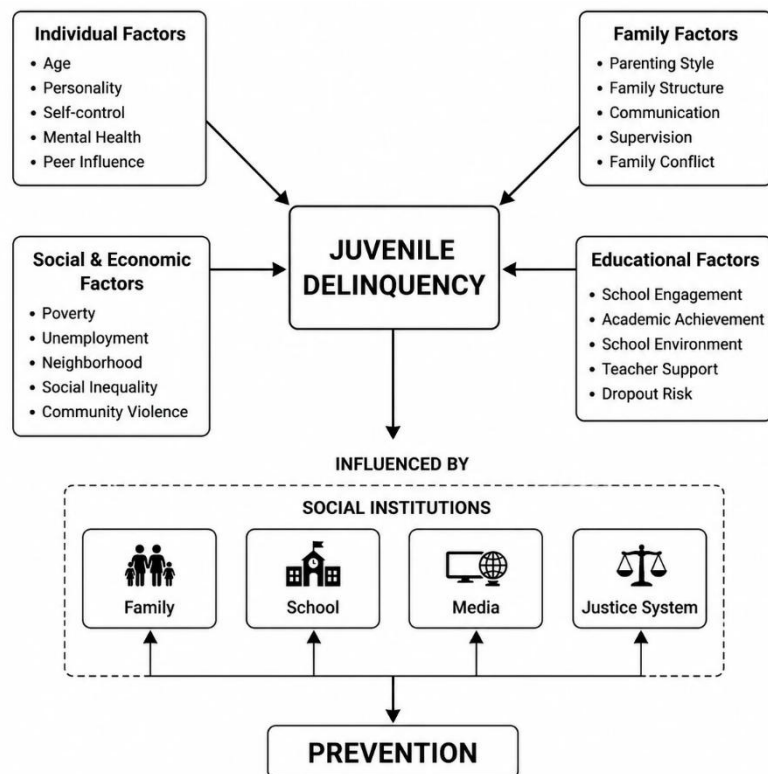
**واژگان کلیدی:** بزهکاری نوجوانان، پیشگیری اجتماعی، نهادهای اجتماعی، خانواده، عوامل خطر

## ۱. مقدمه

پدیده بزهکاری نوجوانان یکی از مهم ترین مسائل مورد توجه در حوزه جرم شناسی معاصر به شمار می رود؛ زیرا این نوع بزهکاری نه تنها پیامدهای حقوقی و اجتماعی گسترده ای برای جامعه دارد، بلکه نشان دهنده اختلال در کارکرد نهادهای اجتماعی و فرآیندهای تربیتی نیز محسوب می شود. نوجوانی مرحله ای حساس از چرخه زندگی انسان است که در آن فرد با تحولات زیستی، روانی و اجتماعی گسترده ای مواجه می شود و همین تحولات می تواند زمینه ساز شکل گیری رفتارهای پرخطر و هنجارشکنانه گردد. از منظر جرم شناسی، بزهکاری نوجوانان اغلب نتیجه تعامل پیچیده ای از عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی است که در صورت عدم مدیریت صحیح می تواند نوجوان را به سوی ارتکاب رفتارهای مجرمانه سوق دهد. در بسیاری از نظام های حقوقی معاصر نیز توجه ویژه ای به این موضوع شده و سیاست های جنایی خاصی برای مدیریت و پیشگیری از بزهکاری نوجوانان طراحی شده است، زیرا نوجوانان به دلیل ویژگی های رشدی خود از ظرفیت بالایی برای اصلاح و بازاجتماعی شدن برخوردارند و واکنش های کیفی باید با در نظر گرفتن همین ویژگی ها طراحی شوند (داودی سالستانی و همکاران، ۲۰۱۹؛ ری شهری، ۲۰۲۲). از این رو، تحلیل جرم شناختی بزهکاری نوجوانان مستلزم بررسی چندبعدی عوامل مؤثر بر آن و همچنین نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از این پدیده است.

در سال های اخیر، مطالعات جرم شناسی نشان داده اند که افزایش برخی آسیب های اجتماعی نظیر فقر، نابرابری اجتماعی، فروپاشی خانواده، گسترش رسانه های نوین و تغییر الگوهای فرهنگی می تواند بر گرایش نوجوانان به بزهکاری تأثیرگذار باشد. بسیاری از پژوهش ها نشان می دهند که بزهکاری نوجوانان معمولاً در محیط هایی شکل می گیرد که در آن نظارت اجتماعی ضعیف بوده و فرصت های بروز رفتارهای انحرافی بیشتر است. به عنوان نمونه، تحقیقات انجام شده در ایران نشان داده است که عواملی نظیر مشکلات اقتصادی خانواده، تعارضات خانوادگی، ضعف نظارت والدین و ارتباط با گروه های همسالان بزهکار از جمله مهم ترین زمینه های گرایش نوجوانان به رفتارهای مجرمانه محسوب می شوند (غیوری نیا و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین پژوهش های جرم شناختی نشان می دهد که محیط اجتماعی و فرهنگی نیز نقش قابل توجهی در شکل گیری الگوهای رفتاری نوجوانان دارد و در جوامعی که فرصت های اجتماعی و فرهنگی برای رشد سالم نوجوانان محدود است، احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه افزایش می یابد. این موضوع نشان می دهد که بزهکاری نوجوانان صرفاً یک مسئله فردی نیست بلکه ریشه در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد (کردعلیوند و مبارکی، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، جرم شناسان معاصر با بهره گیری از رویکردهای جدید مانند جرم شناسی فرهنگی، جرم شناسی رشدمدار و جرم شناسی اجتماعی تلاش کرده اند ابعاد پیچیده بزهکاری نوجوانان را بهتر تبیین کنند. در چارچوب جرم شناسی فرهنگی، بزهکاری نوجوانان تا حدی ناشی از جستجوی هیجان، هویت یابی و تجربه های متفاوت در دوره نوجوانی دانسته می شود. در این رویکرد، برخی رفتارهای بزهکارانه به عنوان نوعی واکنش فرهنگی به محدودیت های اجتماعی و تلاش برای کسب هیجان و هویت اجتماعی تحلیل می شوند (آقائی، ۲۰۱۸). همچنین رویکرد جرم شناسی رشدمدار بر این نکته تأکید دارد که بزهکاری نوجوانان اغلب در مسیر تحولات رشدی فرد شکل می گیرد و در بسیاری از موارد با افزایش سن و ورود به مراحل بعدی زندگی کاهش می یابد، مشروط بر آنکه مداخلات مناسب اجتماعی و تربیتی صورت گیرد (باقری و همکاران، ۲۰۲۳). این دیدگاه ها نشان می دهند که تحلیل بزهکاری نوجوانان باید در چارچوبی چندبعدی و با در نظر گرفتن تعامل میان عوامل فردی و محیطی انجام شود.

علاوه بر این، یکی از موضوعات مهم در مطالعات جرم‌شناسی، نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان است. نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و نظام عدالت کیفری از جمله مهم‌ترین سازوکارهای کنترل اجتماعی محسوب می‌شوند که می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش بزهکاری نوجوانان داشته باشند. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت و ارزش‌های اخلاقی نوجوانان ایفا می‌کند و ضعف در کارکردهای تربیتی خانواده می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات رفتاری در نوجوانان شود. در همین راستا، مطالعات مختلف نشان داده‌اند که وجود روابط عاطفی مناسب میان والدین و فرزندان، نظارت مؤثر والدین و الگوهای تربیتی صحیح می‌تواند احتمال گرایش نوجوانان به بزهکاری را به طور قابل توجهی کاهش دهد (کردی حاجی و همکاران، ۲۰۲۲). در کنار خانواده، مدرسه نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌پذیری نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی نوجوانان دارد و ناکارآمدی نظام آموزشی یا ترک تحصیل می‌تواند زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه را فراهم کند (زارع شیخان مسکن، ۲۰۲۶). در مجموع، با توجه به گسترش و پیچیدگی پدیده بزهکاری نوجوانان در جوامع معاصر، ضرورت انجام مطالعات علمی و جرم‌شناختی در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود. بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان و تحلیل نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از آن می‌تواند به سیاست‌گذاران، نظام عدالت کیفری و نهادهای اجتماعی کمک کند تا راهکارهای مؤثرتری برای کاهش این پدیده ارائه دهند. از این رو، مقاله حاضر با رویکردی مروری و تحلیلی به بررسی جرم‌شناختی بزهکاری نوجوانان و نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از آن می‌پردازد و تلاش می‌کند با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های پیشین، تصویری جامع از ابعاد مختلف این پدیده ارائه دهد. در این راستا ابتدا مبانی مفهومی و نظری بزهکاری نوجوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس عوامل مؤثر بر این پدیده و نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از آن تحلیل می‌شود و در آخر یافته‌های مطالعات موجود جمع‌بندی و ارزیابی خواهد شد (حبیبی و مهدوی تلوکلایی، ۲۰۲۴؛ خاطری و همکاران، ۲۰۲۶).



## شکل ۱. مدل مفهومی تحلیل جرم‌شناختی بزهکاری نوجوانان و نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از آن

این مدل مفهومی نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان پدیده‌ای چندبعدی است که در نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد. در بخش نخست مدل، عوامل خطر شامل عوامل فردی و روان‌شناختی، عوامل خانوادگی، عوامل آموزشی و مدرسه‌ای، شرایط اجتماعی - اقتصادی و تأثیر گروه همسالان قرار دارند که هر یک می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان را فراهم کنند. این عوامل با ایجاد فشارهای روانی، ضعف در کنترل اجتماعی، کاهش نظارت و افزایش گرایش به الگوهای انحرافی، احتمال ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را افزایش می‌دهند. در بخش دوم مدل، نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و نظام عدالت کیفری نوجوانان به عنوان سازوکارهای پیشگیرانه مطرح شده‌اند که می‌توانند با مداخله مؤثر، نقش مهمی در کاهش یا کنترل تأثیر عوامل خطر ایفا کنند. تقویت کارکردهای تربیتی خانواده، ارتقای کیفیت نظام آموزشی، تولید محتوای فرهنگی و رسانه‌ای مناسب و اجرای سیاست‌های اصلاحی در نظام عدالت کیفری از جمله اقداماتی است که می‌تواند به پیشگیری از بزهکاری نوجوانان کمک کند. در مجموع، این مدل نشان می‌دهد که پیشگیری مؤثر از بزهکاری نوجوانان نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ میان نهادهای مختلف اجتماعی است تا از طریق کاهش عوامل خطر و تقویت عوامل حمایتی، زمینه رشد سالم نوجوانان فراهم شود.

## ۲. مبانی مفهومی و نظری بزهکاری نوجوانان

بزهکاری نوجوانان در جرم‌شناسی یک مفهوم چندلایه و پیچیده است که برای درک دقیق آن باید به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی توجه کرد. در ساده‌ترین تعریف، بزهکاری نوجوانان به ارتکاب رفتارهایی گفته می‌شود که از نظر قانون جرم محسوب می‌شود و مرتکب آن در محدوده سنی کودکی تا پایان نوجوانی قرار دارد. اما از منظر جرم‌شناسان، این پدیده صرفاً یک رفتار مجرمانه نیست، بلکه بازتابی از ناکارآمدی سازوکارهای نظارت اجتماعی و چالش‌های رشدی نوجوانان است. بزهکاری در این دوره به دلیل ویژگی‌های خاص نوجوانی، مانند بحران هویت، ناپایداری هیجانی، کنش‌وری تکانشی و حساسیت نسبت به تأیید اجتماعی، از الگوهای خاصی پیروی می‌کند. بررسی‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که نوجوانان بزهکار اغلب در محیط‌هایی رشد می‌کنند که در آن تنش‌های خانوادگی، ضعف آموزشی، مشکلات اقتصادی و کمبود حمایت‌های اجتماعی وجود دارد (غیوری‌نیا و همکاران، ۲۰۲۳). این یافته نشان می‌دهد که برای تحلیل بزهکاری نوجوانان نمی‌توان صرفاً به ویژگی‌های فردی نوجوان اکتفا کرد؛ بلکه باید عوامل ساختاری و محیطی نیز مدنظر قرار گیرد.

از منظر نظری، یکی از مهم‌ترین چارچوب‌هایی که برای تحلیل بزهکاری نوجوانان به کار می‌رود، نظریه‌های یادگیری اجتماعی و پیوند اجتماعی است. نظریه یادگیری اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که رفتار بزهکارانه در نتیجه یادگیری از طریق مشاهده، تقلید و تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. نوجوانانی که با گروه‌های همسالان بزهکار ارتباط دارند، بیشتر در معرض یادگیری رفتارهای مجرمانه قرار می‌گیرند. این مسئله در تحقیقات داخلی نیز تأیید شده است؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباط با دوستان بزهکار و قرار گرفتن در محیط‌های فاقد نظارت، نقش مهمی در ارتکاب بزه دارد (کردعلیوند و مبارکی، ۲۰۱۹). نظریه پیوند اجتماعی نیز معتقد است هر چه پیوند نوجوان با نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و جامعه ضعیف‌تر باشد، احتمال گرایش او به بزهکاری بیشتر می‌شود. این نظریه در تحلیل نقش عوامل حمایتی بسیار مفید است و نشان می‌دهد که تقویت پیوندهای اجتماعی می‌تواند به عنوان یک عامل پیشگیری‌کننده قدرتمند عمل کند (کردی حاجی و همکاران، ۲۰۲۲).

در کنار این رویکردها، جرم‌شناسی رشدمدار نیز نقش مهمی در تحلیل بزهکاری نوجوانان ایفا می‌کند. این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که بزهکاری نوجوانان یک پدیده ایستا نیست، بلکه بخشی از مسیر رشدی فرد است که ممکن است با ورود به بزرگسالی تغییر کند یا متوقف شود. بر اساس این دیدگاه، رفتارهای بزهکارانه در دوره نوجوانی لزوماً به معنای تداوم بزهکاری در آینده نیست؛ بلکه با مداخلات مناسب آموزشی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌توان مسیر زندگی نوجوان را اصلاح کرد. پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نشان داده‌اند که عواملی مانند محیط زندگی، سطح حمایت خانوادگی، دسترسی به فرصت‌های آموزشی و وجود الگوهای رفتاری سالم می‌تواند نقش مهمی در تغییر مسیر بزهکاری داشته باشد (باقری و همکاران، ۲۰۲۳). این رویکرد اهمیت ویژه‌ای برای سیاست‌گذاری جنایی دارد، زیرا تأکید می‌کند که نوجوانان نسبت به بزرگسالان قابلیت بیشتری برای بازپروری و بازاجتماعی شدن دارند و باید با آنان به گونه‌ای متفاوت برخورد شود (ری‌شهری، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، جرم‌شناسی فرهنگی یکی از رویکردهای نوین در تحلیل بزهکاری نوجوانان است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این رویکرد معتقد است که بزهکاری نوجوانان در بسیاری از موارد ریشه در نیاز به هیجان، هویت‌یابی، مقاومت نمادین در برابر ساختارهای قدرت و تجربه زیسته خاص آنان دارد. مفاهیمی مانند «کارناوال»، «زندگی دوم» و «جستجوی آدرنالین» در این چارچوب به‌عنوان عناصر کلیدی تحلیل رفتارهای بزهکارانه نوجوانان مطرح شده‌اند (آقائی، ۲۰۱۸). در این رویکرد، برخی رفتارهای مجرمانه نه به‌عنوان یک انحراف فردی بلکه به‌مثابه نوعی واکنش فرهنگی و تلاش نوجوان برای تجربه آزادی و رهایی از محدودیت‌های اجتماعی تعبیر می‌شود. به‌ویژه در جوامعی که نظارت اجتماعی سخت‌گیرانه است، بزهکاری ممکن است به‌عنوان نوعی مقاومت فرهنگی یا تجربه هیجان‌آفرین ظاهر شود. این تحلیل فرهنگی به درک بهتر انگیزه‌های پنهان نوجوانان در رفتارهای بزهکارانه کمک می‌کند و نشان می‌دهد که سیاست‌های کنترل اجتماعی باید بر اساس فهم فرهنگی دنیای نوجوانان طراحی شود.

یکی دیگر از مفاهیم مهم در تحلیل بزهکاری نوجوانان، مسئله «فرصت‌های بزهکاری» است. بر اساس نظریه‌های فرصت‌محور، بزهکاری نتیجه تعامل میان انگیزه و فرصت است. اگر نوجوان انگیزه بزهکاری داشته باشد اما فرصت مناسب برای ارتکاب جرم فراهم نشود، احتمال بروز رفتار مجرمانه کاهش می‌یابد. در مقابل، وجود محیط‌های بی‌نظم، نبود نظارت، فضای مجازی بدون کنترل و دسترسی آسان به امکانات ارتکاب جرم می‌تواند زمینه بزهکاری را فراهم کند. این مسئله به‌ویژه در عصر رسانه‌های دیجیتال اهمیت بیشتری یافته است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که فضای مجازی می‌تواند هم نقش تسهیل‌کننده در بزهکاری نوجوانان داشته باشد و هم آنان را در معرض تهدیدها و آسیب‌های نوپدید قرار دهد (صادقی و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، تحقیقات درباره مدارس و محیط‌های آموزشی مجازی نشان داده است که ضعف نظارت در این فضاها نیز می‌تواند احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه را افزایش دهد (ملکوتی و همکاران، ۲۰۲۳). این مسئله نشان می‌دهد که تغییرات فناورانه باعث شده بزهکاری نوجوانان ابعاد جدیدی پیدا کند که باید در تحلیل‌های جرم‌شناختی مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه، مفهوم «عدالت کیفری افتراقی» در تحلیل بزهکاری نوجوانان نقش مهمی دارد. این مفهوم مبتنی بر این اصل است که نوجوانان باید در نظام عدالت کیفری به شکل متفاوت از بزرگسالان مورد رسیدگی قرار گیرند، زیرا از نظر رشد جسمانی، ذهنی و اخلاقی در مرحله‌ای متفاوت از بزرگسالان قرار دارند. نهادهای کیفری در بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند به جای اعمال مجازات‌های شدید، از اقدامات تأمینی و تربیتی، مداخلات روان‌شناختی و برنامه‌های اصلاحی استفاده کنند. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی که رویکرد تربیتی و اصلاحی را در برخورد با نوجوانان اتخاذ کرده‌اند، میزان بازگشت به جرم را کاهش داده‌اند (داودی سالستانی و همکاران، ۲۰۱۹). در ایران نیز قانون‌گذار در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا با اصلاح قوانین

مرتبط با اطفال و نوجوانان، سازوکارهای مناسب تری برای رسیدگی به جرایم آنان فراهم کند، هرچند برخی پژوهش ها همچنان بر ناکارآمدی برخی سیاست های تقنینی و نیاز به اصلاحات بیشتر تأکید دارند (خاطری و همکاران، ۲۰۲۶).

### ۳. عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان

بزهکاری نوجوانان پدیده ای چندعاملی است که در نتیجه تعامل پیچیده ای از عوامل فردی، روان شناختی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی شکل می گیرد. جرم شناسان بر این باورند که هیچ عامل واحدی به تنهایی نمی تواند بزهکاری نوجوانان را توضیح دهد، بلکه ترکیب شرایط مختلف در محیط زندگی نوجوان است که احتمال گرایش به رفتارهای مجرمانه را افزایش می دهد. در بسیاری از پژوهش های جرم شناختی، عوامل فردی مانند ویژگی های شخصیتی، مشکلات روان شناختی، ضعف در مهارت های کنترل هیجان و گرایش به رفتارهای پرخطر به عنوان زمینه های اولیه بروز بزهکاری مطرح شده اند. برخی نوجوانان به دلیل ویژگی های شخصیتی خاص، مانند تکانشگری، هیجان طلبی یا ضعف در پیش بینی پیامدهای رفتار، بیشتر در معرض ارتکاب رفتارهای بزهکارانه قرار دارند. پژوهش های روان شناسی جنایی نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی و اختلالات رفتاری در دوران نوجوانی می تواند احتمال گرایش به بزهکاری را افزایش دهد، به ویژه زمانی که این ویژگی ها با شرایط نامناسب محیطی همراه شود (موسوی فراز، ۲۰۲۱). در همین راستا، مطالعات جرم شناسی نشان داده اند که نوجوانان بزهکار اغلب دارای مشکلاتی مانند ضعف در مهارت های اجتماعی، ناکامی های تحصیلی و احساس طردشدگی اجتماعی هستند که می تواند آنان را به سمت رفتارهای انحرافی سوق دهد.

در کنار عوامل فردی، خانواده به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی پذیرنده نقش بسیار مهمی در شکل گیری یا پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ایفا می کند. بسیاری از پژوهش های جرم شناختی نشان می دهد که اختلال در کارکردهای خانواده، مانند تعارضات شدید میان والدین، طلاق، غفلت تربیتی، خشونت خانوادگی یا نظارت ناکافی والدین، می تواند زمینه ساز بروز رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان شود. خانواده محیطی است که در آن ارزش ها، هنجارها و الگوهای رفتاری به کودک منتقل می شود و اگر این انتقال به شکل صحیح انجام نشود، احتمال انحراف رفتاری افزایش می یابد. در بررسی های انجام شده درباره بزهکاری نوجوانان در برخی مناطق ایران مشخص شده است که بسیاری از نوجوانان بزهکار در خانواده هایی رشد کرده اند که در آن ها مشکلات اقتصادی، تعارضات خانوادگی و ضعف در نظارت والدین وجود داشته است (غیوری نیا و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین در مورد کودکان خیابانی نیز تحقیقات نشان داده است که فروپاشی ساختار خانواده، فقر و بی سرپرستی از جمله مهم ترین عوامل سوق دهنده آنان به سوی بزهکاری و رفتارهای پرخطر است (آقابابا و همکاران، بی تا). این یافته ها نشان می دهد که تقویت کارکردهای حمایتی و تربیتی خانواده می تواند نقش مهمی در کاهش بزهکاری نوجوانان داشته باشد. از سوی دیگر، محیط آموزشی و وضعیت تحصیلی نوجوانان نیز از جمله عوامل مهم در تحلیل بزهکاری محسوب می شود. مدرسه یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی پذیرنده است که در آن نوجوانان علاوه بر کسب دانش، مهارت های اجتماعی و هنجارهای رفتاری جامعه را نیز فرا می گیرند. در صورتی که نوجوانان با شکست تحصیلی، بی انگیزگی آموزشی یا طردشدگی در محیط مدرسه مواجه شوند، ممکن است به تدریج از این نهاد فاصله بگیرند و در معرض رفتارهای انحرافی قرار گیرند. یکی از مهم ترین مصادیق این مسئله، پدیده ترک تحصیل است که در بسیاری از پژوهش ها به عنوان یکی از عوامل مهم بزهکاری نوجوانان شناخته شده است. مطالعات نشان می دهد که ترک تحصیل نه تنها فرصت های اجتماعی و شغلی نوجوانان را محدود می کند، بلکه آنان را در معرض محیط های پرخطر و گروه های

بزهکار قرار می دهد (زارع شیخان مسکن، ۲۰۲۶). همچنین در سال های اخیر با گسترش آموزش های مجازی، برخی پژوهش ها نشان داده اند که ضعف نظارت در محیط های آموزشی آنلاین نیز می تواند فرصت هایی برای بروز رفتارهای انحرافی فراهم کند و در صورت نبود سازوکارهای کنترلی مناسب، این فضاها ممکن است به بستری برای بروز برخی اشکال بزهکاری تبدیل شوند (ملکوتی و همکاران، ۲۰۲۳).

عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز از جمله مهم ترین زمینه های بروز بزهکاری نوجوانان به شمار می روند. شرایطی مانند فقر، بیکاری، نابرابری اجتماعی و احساس محرومیت نسبی می تواند زمینه شکل گیری احساس نارضایتی و بی عدالتی در نوجوانان را فراهم کند. نظریه های جامعه شناختی جرم بیان می کنند که زمانی که افراد احساس کنند دسترسی آنان به فرصت های مشروع برای دستیابی به اهداف اجتماعی محدود شده است، ممکن است به رفتارهای غیرقانونی روی آورند. پژوهش های انجام شده درباره نوجوانان نشان داده است که احساس محرومیت نسبی و مقایسه خود با دیگران می تواند به افزایش گرایش به بزهکاری منجر شود، به ویژه زمانی که نوجوانان احساس کنند فرصت های برابر برای پیشرفت در اختیار ندارند (کردعلیوند و مبارکی، ۲۰۱۹). علاوه بر این، محیط های شهری نامناسب، محله های جرم خیز و ضعف نظارت اجتماعی نیز می تواند احتمال وقوع بزهکاری نوجوانان را افزایش دهد، زیرا چنین محیط هایی فرصت بیشتری برای شکل گیری گروه های بزهکار و یادگیری رفتارهای انحرافی فراهم می کنند.

در کنار عوامل فوق، گروه همسالان نیز نقش بسیار مهمی در شکل گیری رفتارهای نوجوانان دارد. در دوره نوجوانی، نیاز به تعلق اجتماعی و پذیرش از سوی همسالان به شدت افزایش می یابد و همین مسئله باعث می شود نوجوانان تحت تأثیر رفتارها و ارزش های گروه دوستان خود قرار گیرند. اگر نوجوان در گروهی قرار گیرد که رفتارهای بزهکارانه در آن عادی تلقی می شود، احتمال مشارکت او در چنین رفتارهایی افزایش می یابد. بسیاری از پژوهش های جرم شناسی نشان داده اند که بزهکاری نوجوانان اغلب به صورت گروهی رخ می دهد و تأثیر همسالان در این میان بسیار قابل توجه است (کردی حاجی و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، برخی پژوهش های فرهنگی نشان داده اند که نوجوانان گاهی برای کسب هیجان، تجربه های متفاوت یا کسب جایگاه در میان دوستان خود به رفتارهای بزهکارانه روی می آورند. در این تحلیل، بزهکاری تا حدی به عنوان نوعی تجربه اجتماعی و فرهنگی در میان نوجوانان تلقی می شود که می تواند با جستجوی هیجان و هویت یابی در این دوره از زندگی مرتبط باشد (آقائی، ۲۰۱۸). در آخر، محیط زندگی و شرایط اجتماعی گسترده تر نیز در شکل گیری بزهکاری نوجوانان نقش تعیین کننده ای دارد. مقایسه های تطبیقی میان کشورها نشان داده است که ساختارهای اجتماعی، سیاست های رفاهی، نظام آموزشی و شیوه های کنترل اجتماعی می تواند بر میزان بزهکاری نوجوانان تأثیرگذار باشد. در برخی مطالعات تطبیقی میان ایران و سایر کشورها نیز مشخص شده است که عواملی مانند کیفیت محیط زندگی، دسترسی به خدمات اجتماعی و سطح حمایت های نهادی می تواند در کاهش یا افزایش رفتارهای مجرمانه در میان نوجوانان مؤثر باشد (حبیبی و مهدوی تلوکلایی، ۲۰۲۴). بنابراین، تحلیل بزهکاری نوجوانان نیازمند توجه به مجموعه ای از عوامل در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی است و سیاست های پیشگیرانه نیز باید بر اساس همین رویکرد چندبعدی طراحی شوند تا بتوانند به شکل مؤثری از بروز این پدیده جلوگیری کنند.

#### ۴. نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

پیشگیری از بزهکاری نوجوانان یکی از مهم ترین اهداف سیاست جنایی معاصر است و در این میان نهادهای اجتماعی نقش بنیادینی در کنترل و کاهش رفتارهای بزهکارانه ایفا می کنند. جرم شناسان بر این باورند که هرچه کارکرد نهادهای اجتماعی در فرآیند اجتماعی پذیری نوجوانان قوی تر باشد، احتمال گرایش آنان به رفتارهای انحرافی کاهش می یابد. نهادهای اجتماعی از طریق انتقال ارزش ها، هنجارها و الگوهای رفتاری جامعه، زمینه شکل گیری شخصیت اجتماعی نوجوانان را فراهم می کنند و در صورت ضعف یا ناکارآمدی این نهادها، خلأ نظارت اجتماعی ایجاد شده و احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه افزایش می یابد. از همین رو، در بسیاری از نظریه های جرم شناسی، پیشگیری اجتماعی از جرم به عنوان یکی از مهم ترین راهبردهای مقابله با بزهکاری نوجوانان مطرح شده است. در این رویکرد، تأکید اصلی بر اصلاح شرایط اجتماعی و تقویت نهادهای تربیتی به جای تمرکز صرف بر مجازات است، زیرا نوجوانان در مرحله ای از رشد قرار دارند که مداخلات اجتماعی و تربیتی می تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار آنان داشته باشد (داودی سالستانی و همکاران، ۲۰۱۹). بر این اساس، بررسی نقش نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و نظام عدالت کیفری در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

خانواده به عنوان نخستین و مهم ترین نهاد اجتماعی پذیری نقش اساسی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ایفا می کند. در واقع، بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی در محیط خانواده به کودکان منتقل می شود و کیفیت روابط خانوادگی می تواند تأثیر مستقیمی بر رفتارهای اجتماعی نوجوانان داشته باشد. مطالعات جرم شناسی نشان می دهد که وجود روابط عاطفی سالم میان والدین و فرزندان، نظارت مؤثر والدین، سبک های تربیتی مناسب و ایجاد محیطی امن و حمایتی در خانواده می تواند احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. در مقابل، خانواده هایی که با مشکلاتی مانند تعارضات شدید، خشونت خانگی، غفلت تربیتی یا ضعف نظارت مواجه هستند، بیشتر در معرض پرورش نوجوانان بزهکار قرار دارند (کردی حاجی و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش های انجام شده درباره بزهکاری نوجوانان در ایران نیز نشان داده است که بخش قابل توجهی از نوجوانان بزهکار در خانواده هایی رشد کرده اند که در آن ها مشکلات اقتصادی، اختلافات خانوادگی یا کمبود حمایت عاطفی وجود داشته است (غیوری نیا و همکاران، ۲۰۲۳). این یافته ها نشان می دهد که تقویت بنیان خانواده و آموزش مهارت های فرزند پروری می تواند یکی از مؤثرترین راهکارهای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان باشد.

در کنار خانواده، نظام آموزشی و مدارس نیز نقش بسیار مهمی در فرآیند پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دارند. مدرسه پس از خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی است که در آن نوجوانان با ارزش های اجتماعی، قوانین و هنجارهای رفتاری آشنا می شوند. محیط آموزشی می تواند با ایجاد فرصت های مناسب برای رشد علمی، اجتماعی و اخلاقی نوجوانان، آنان را از گرایش به رفتارهای انحرافی دور نگه دارد. در مقابل، ناکارآمدی نظام آموزشی، تبعیض در محیط مدرسه، شکست تحصیلی یا طردشدگی اجتماعی در میان دانش آموزان می تواند زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه را فراهم کند. یکی از مهم ترین چالش های نظام آموزشی در این زمینه پدیده ترک تحصیل است که در بسیاری از مطالعات به عنوان یکی از عوامل مهم گرایش نوجوانان به بزهکاری مطرح شده است. تحقیقات نشان داده است که نوجوانانی که از تحصیل بازمی مانند، بیشتر در معرض محیط های پرخطر و گروه های بزهکار قرار می گیرند و احتمال ارتکاب جرم در میان آنان افزایش می یابد (زارع شیخان مسکن، ۲۰۲۶). علاوه بر این، در سال های اخیر با گسترش آموزش های مجازی، ضرورت طراحی سازوکارهای نظارتی و تربیتی در این فضاها نیز مورد توجه قرار گرفته است، زیرا ضعف نظارت در محیط های آموزشی دیجیتال می تواند فرصت هایی برای بروز برخی رفتارهای انحرافی فراهم کند (ملکوتی و همکاران، ۲۰۲۳).

نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای نیز در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان نقش قابل توجهی دارند. رسانه‌ها از طریق تولید و انتشار محتوای فرهنگی می‌توانند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به نسل جوان منتقل کنند و در شکل‌گیری الگوهای رفتاری آنان تأثیر بگذارند. از یک سو، رسانه‌ها می‌توانند با ترویج فرهنگ قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احترام به حقوق دیگران، نقش مهمی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ایفا کنند؛ اما از سوی دیگر، انتشار برخی محتوای خشونت‌آمیز یا ترویج سبک‌های زندگی پرخطر می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان تأثیر منفی بگذارد. در چارچوب جرم‌شناسی فرهنگی نیز تأکید شده است که فرهنگ عمومی جامعه و نمادهای فرهنگی موجود در رسانه‌ها می‌تواند بر نحوه درک نوجوانان از رفتارهای بزهکارانه تأثیرگذار باشد و حتی در برخی موارد به نوعی مشروعیت نمادین برای این رفتارها ایجاد کند (آقایی، ۲۰۱۸). از این رو، سیاست‌گذاری فرهنگی و نظارت بر محتوای رسانه‌ای می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای مهم پیشگیری اجتماعی از بزهکاری نوجوانان مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، نظام عدالت کیفری و نهادهای رسمی کنترل اجتماعی نیز نقش مهمی در مدیریت و پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دارند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر تلاش شده است تا در برخورد با جرایم نوجوانان از رویکردهای اصلاحی و تربیتی به جای مجازات‌های سخت استفاده شود. این رویکرد مبتنی بر این فرض است که نوجوانان به دلیل ویژگی‌های رشدی خود از ظرفیت بالایی برای اصلاح و بازاجتماعی شدن برخوردارند و واکنش‌های کیفری باید به گونه‌ای طراحی شود که زمینه بازگشت آنان به جامعه را فراهم کند. به همین دلیل در بسیاری از کشورها از اقداماتی مانند مشاوره روان‌شناختی، برنامه‌های بازپروری، خدمات اجتماعی و اقدامات تأمینی و تربیتی به جای مجازات‌های سنتی استفاده می‌شود (ری‌شهری، ۲۰۲۲). در ایران نیز قانون‌گذار در سال‌های اخیر تلاش کرده است با اصلاح قوانین مربوط به اطفال و نوجوانان، رویکردی حمایتی‌تر و تربیتی‌تر در برخورد با جرایم این گروه سنی اتخاذ کند، هرچند برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که همچنان چالش‌هایی در اجرای کامل این سیاست‌ها وجود دارد (خاطری و همکاران، ۲۰۲۶).

در مجموع، بررسی نقش نهادهای اجتماعی نشان می‌دهد که پیشگیری از بزهکاری نوجوانان نیازمند همکاری و هماهنگی میان نهادهای مختلف اجتماعی است. خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و نظام عدالت کیفری هر یک به گونه‌ای در فرآیند اجتماعی‌پذیری و کنترل اجتماعی نوجوانان نقش دارند و تقویت کارکردهای این نهادها می‌تواند به کاهش چشمگیر بزهکاری در میان نوجوانان منجر شود. از این رو، سیاست‌های پیشگیرانه باید بر رویکردی جامع و چندبعدی استوار باشد که در آن علاوه بر اصلاح قوانین کیفری، به بهبود شرایط اجتماعی، تقویت نهادهای تربیتی و ارتقای سطح آگاهی جامعه نیز توجه شود (کردی حاجی و همکاران، ۲۰۲۲).

## ۵. یافته‌ها (جمع‌بندی تحلیلی مطالعات)

بررسی مطالعات انجام‌شده درباره بزهکاری نوجوانان نشان می‌دهد که این پدیده از جمله مسائل پیچیده اجتماعی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. مرور پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه جرم‌شناسی نوجوانان حاکی از آن است که هیچ عامل واحدی نمی‌تواند به طور مستقل وقوع بزهکاری را توضیح دهد، بلکه تعامل میان متغیرهای مختلف در محیط زندگی نوجوانان است که احتمال بروز رفتارهای مجرمانه را افزایش می‌دهد. مطالعات مختلف در این حوزه نشان داده‌اند که عواملی مانند ضعف در نظارت خانوادگی، مشکلات اقتصادی، ناکامی‌های تحصیلی، تأثیر گروه همسالان و شرایط محیطی نامناسب از جمله مهم‌ترین زمینه‌های گرایش نوجوانان به بزهکاری به شمار می‌روند. پژوهش‌های

انجام شده در ایران نیز نشان می دهد که بخش قابل توجهی از نوجوانان بزهکار در محیط هایی رشد کرده اند که در آن ها نوعی ناپایداری اجتماعی یا خانوادگی وجود داشته است و همین امر زمینه ساز شکل گیری رفتارهای انحرافی در آنان شده است (غیوری نیا و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین برخی مطالعات تأکید کرده اند که در بسیاری از موارد، بزهکاری نوجوانان نتیجه فرایند تدریجی انحراف است که از رفتارهای کوچک و کم اهمیت آغاز شده و در صورت عدم مداخله مناسب به رفتارهای مجرمانه جدی تر منجر می شود (داودی سالستانی و همکاران، ۲۰۱۹).

در تحلیل یافته های پژوهش های جرم شناسی، یکی از مهم ترین نکات قابل توجه، نقش عوامل فردی و روان شناختی در بروز رفتارهای بزهکارانه است. بسیاری از تحقیقات نشان می دهد که برخی ویژگی های شخصیتی مانند تکانشگری، هیجان طلبی، ضعف در کنترل خشم و مشکلات سازگاری اجتماعی می تواند احتمال ارتکاب جرم در میان نوجوانان را افزایش دهد. البته این عوامل زمانی بیشترین تأثیر را دارند که با شرایط نامناسب محیطی همراه شوند. به عبارت دیگر، نوجوانانی که دارای برخی آسیب های روان شناختی هستند اما در محیط های حمایتی و سالم رشد می کنند، کمتر به سوی بزهکاری گرایش پیدا می کنند. در مقابل، نوجوانانی که علاوه بر مشکلات فردی با شرایط اجتماعی و خانوادگی نامناسب نیز مواجه هستند، بیشتر در معرض ارتکاب رفتارهای مجرمانه قرار دارند (موسوی فراز، ۲۰۲۱). این مسئله نشان می دهد که تحلیل بزهکاری نوجوانان باید در چارچوب یک رویکرد چندبعدی صورت گیرد که در آن تعامل میان ویژگی های فردی و شرایط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، بررسی مطالعات مختلف نشان می دهد که خانواده مهم ترین نقش را در پیشگیری یا شکل گیری بزهکاری نوجوانان ایفا می کند. بسیاری از پژوهش های جرم شناسی نشان داده اند که ضعف در کارکردهای تربیتی خانواده، فقدان نظارت مؤثر والدین و وجود تعارضات خانوادگی از جمله عوامل مهم در گرایش نوجوانان به رفتارهای بزهکارانه است. در خانواده هایی که روابط عاطفی میان اعضا ضعیف است یا والدین در فرآیند تربیتی فرزندان خود نقش فعالی ندارند، احتمال بروز رفتارهای انحرافی در نوجوانان افزایش می یابد. در مقابل، خانواده هایی که دارای روابط عاطفی قوی، نظارت مناسب و الگوهای تربیتی سالم هستند، می توانند نقش مؤثری در پیشگیری از بزهکاری ایفا کنند (کردی حاجی و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، برخی مطالعات نشان داده اند که مشکلات اقتصادی و فقر نیز می تواند بر کارکرد خانواده تأثیر بگذارد و از طریق ایجاد فشارهای روانی و اجتماعی، زمینه بروز بزهکاری در میان نوجوانان را فراهم کند (کردعلیوند و مبارکی، ۲۰۱۹).

در کنار خانواده، محیط آموزشی نیز یکی از عوامل مهم در شکل گیری یا پیشگیری از بزهکاری نوجوانان محسوب می شود. بسیاری از پژوهش ها نشان داده اند که شکست تحصیلی، بی انگیزگی آموزشی و ترک تحصیل از جمله مهم ترین عواملی هستند که می توانند نوجوانان را به سوی رفتارهای انحرافی سوق دهند. نوجوانانی که در محیط مدرسه با مشکلاتی مانند تبعیض، طردشدگی یا ضعف حمایت آموزشی مواجه می شوند، ممکن است احساس بیگانگی نسبت به نظام آموزشی پیدا کنند و در نتیجه به سمت گروه های همسالان بزهکار گرایش پیدا کنند. در همین راستا، مطالعات انجام شده درباره ترک تحصیل نشان می دهد که این پدیده نه تنها فرصت های اجتماعی نوجوانان را محدود می کند، بلکه آنان را در معرض محیط های پرخطر قرار می دهد و احتمال ارتکاب جرم را افزایش می دهد (زارع شیخان مسکن، ۲۰۲۶). در سال های اخیر نیز برخی پژوهش ها به بررسی تأثیر فضای مجازی و آموزش های آنلاین بر رفتار نوجوانان پرداخته اند و نشان داده اند که نبود نظارت کافی در این فضاها می تواند زمینه بروز برخی رفتارهای انحرافی را فراهم کند (ملکوتی و همکاران، ۲۰۲۳). برای جمع بندی نتایج پژوهش های بررسی شده، مهم ترین عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در جدول زیر ارائه شده است.

#### جدول ۱. مهم ترین عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان بر اساس مطالعات جرم شناسی

عامل	توضیح	منبع پژوهشی
عوامل فردی	تکانشگری، هیجان طلبی، ضعف کنترل خشم و مشکلات سازگاری اجتماعی	موسوی فراز (۲۰۲۱)
عوامل خانوادگی	تعارضات خانوادگی، نظارت ضعیف والدین، طلاق و خشونت خانوادگی	غیوری نیا و همکاران (۲۰۲۳)
عوامل آموزشی	شکست تحصیلی، ترک تحصیل و طردشدگی در محیط مدرسه	زارع شیخان مسکن (۲۰۲۶)
عوامل اجتماعی	فقر، نابرابری اجتماعی و احساس محرومیت نسبی	کردعلیوند و مبارکی (۲۰۱۹)
گروه همسالان	تأثیر دوستان بزهکار و فشار گروهی	کردی حاجی و همکاران (۲۰۲۲)

یکی دیگر از نتایج مهم مطالعات انجام شده در این حوزه، نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان است. پژوهش های مختلف نشان می دهد که تقویت کارکردهای نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و نظام عدالت کیفری می تواند نقش مهمی در کاهش رفتارهای بزهکارانه داشته باشد. این نهادها از طریق انتقال ارزش های اجتماعی، ایجاد نظارت اجتماعی و فراهم کردن فرصت های مثبت برای رشد نوجوانان می توانند از بروز رفتارهای انحرافی جلوگیری کنند. در این میان، پیشگیری اجتماعی از جرم به عنوان یکی از مؤثرترین راهبردهای کاهش بزهکاری نوجوانان شناخته شده است، زیرا این رویکرد تلاش می کند با اصلاح شرایط اجتماعی و تقویت نهادهای تربیتی، زمینه های بروز جرم را کاهش دهد (ری شهری، ۲۰۲۲). جدول زیر نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان را بر اساس نتایج پژوهش ها نشان می دهد.

## جدول ۲. نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

منبع پژوهشی	کارکرد پیشگیرانه	نهاد اجتماعی
کردی حاجی و همکاران (۲۰۲۲)	نظارت والدین، ایجاد روابط عاطفی سالم و آموزش ارزش های اجتماعی	خانواده
زارع شیخان مسکن (۲۰۲۶)	تقویت هویت اجتماعی، پیشگیری از ترک تحصیل و آموزش مهارت های اجتماعی	مدرسه
آقائی (۲۰۱۸)	ترویج فرهنگ قانون مداری و افزایش آگاهی اجتماعی	رسانه ها
ری شهری (۲۰۲۲)	استفاده از رویکردهای اصلاحی و تربیتی برای نوجوانان	نظام عدالت کیفری

علاوه بر این، برخی مطالعات تطبیقی نشان داده اند که سیاست های پیشگیری از بزهکاری نوجوانان در کشورهای مختلف تفاوت های قابل توجهی دارد. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، تأکید اصلی بر پیشگیری اجتماعی، برنامه های آموزشی و حمایت های اجتماعی است، در حالی که در برخی کشورها همچنان رویکردهای کیفری نقش پررنگ تری دارند. بررسی این

مطالعات نشان می‌دهد که کشورهایی که بر تقویت نهادهای اجتماعی و برنامه‌های حمایتی برای نوجوانان تمرکز کرده‌اند، موفقیت بیشتری در کاهش میزان بزهکاری داشته‌اند (حبیبی و مهدوی تلوکلابی، ۲۰۲۴). در همین راستا، برخی پژوهش‌ها پیشنهاد می‌کنند که برای کاهش بزهکاری نوجوانان در ایران نیز باید سیاست‌های پیشگیرانه مبتنی بر تقویت خانواده، بهبود نظام آموزشی و توسعه برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. جدول زیر برخی از راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان را بر اساس نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد.

### جدول ۳. راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

منبع پژوهشی	توضیح	راهکار
غیوری‌نیا و همکاران (۲۰۲۳)	آموزش مهارت‌های فرزندپروری و افزایش نظارت والدین	تقویت آموزش خانواده
زارع شیخان مسکن (۲۰۲۶)	حمایت آموزشی از دانش‌آموزان در معرض خطر	کاهش ترک تحصیل
آقائی (۲۰۱۸)	ایجاد فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی برای نوجوانان	برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی
خاطری و همکاران (۲۰۲۶)	استفاده از اقدامات تأمینی و تربیتی به جای مجازات	اصلاح نظام عدالت نوجوانان

در مجموع، یافته‌های مطالعات مختلف نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان پدیده‌ای چندبعدی است که برای پیشگیری از آن باید به مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی توجه کرد. تقویت نهادهای اجتماعی، بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی و توسعه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند در کاهش بزهکاری نوجوانان مؤثر باشد. از این رو، سیاست‌های پیشگیرانه باید مبتنی بر رویکردی جامع و هماهنگ میان نهادهای مختلف اجتماعی طراحی شود تا بتواند به شکل مؤثری از بروز این پدیده جلوگیری کند.

### ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پدیده بزهکاری نوجوانان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و جرم‌شناختی در جوامع معاصر به شمار می‌رود که ریشه در مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی دارد. بررسی مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان نتیجه تعامل پیچیده میان شرایط محیطی و ویژگی‌های فردی است و نمی‌توان آن را صرفاً به یک عامل خاص نسبت داد. نوجوانان در مرحله‌ای از رشد قرار دارند که شخصیت اجتماعی آنان در حال شکل‌گیری است و به همین دلیل محیط‌های اجتماعی پیرامون آنان، به ویژه خانواده، مدرسه و گروه همسالان، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای آنان ایفا می‌کند. در صورتی که این نهادها به درستی وظایف تربیتی و نظارتی خود را انجام دهند، احتمال گرایش نوجوانان به رفتارهای انحرافی کاهش می‌یابد؛ اما در صورت ضعف یا ناکارآمدی این نهادها، زمینه برای بروز بزهکاری فراهم

می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که پیشگیری از بزهکاری نوجوانان بیش از آنکه به اقدامات کیفری وابسته باشد، نیازمند تقویت نهادهای اجتماعی و بهبود شرایط تربیتی و فرهنگی جامعه است.

نتایج بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که خانواده مهم‌ترین نقش را در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان دارد، زیرا نخستین محیطی است که در آن ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری به کودک منتقل می‌شود. وجود روابط عاطفی سالم میان اعضای خانواده، نظارت مؤثر والدین و استفاده از شیوه‌های تربیتی مناسب می‌تواند نقش مهمی در کاهش رفتارهای بزهکارانه داشته باشد. علاوه بر خانواده، نظام آموزشی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی پذیرای می‌تواند با ایجاد محیطی حمایتی و فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای رشد علمی و اجتماعی نوجوانان، از گرایش آنان به رفتارهای انحرافی جلوگیری کند. همچنین نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها نیز از طریق ترویج ارزش‌های اجتماعی و افزایش آگاهی عمومی می‌توانند در شکل‌گیری نگرش‌های مثبت در میان نوجوانان نقش مؤثری ایفا کنند. در کنار این عوامل، نظام عدالت کیفری نیز باید با اتخاذ رویکردی اصلاحی و تربیتی در برخورد با جرایم نوجوانان، زمینه‌ساز اجتماعی شدن آنان را فراهم سازد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان چند پیشنهاد مهم برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ارائه کرد. نخست آنکه تقویت بنیان خانواده و آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین باید به عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های پیشگیرانه مورد توجه قرار گیرد، زیرا بسیاری از رفتارهای انحرافی نوجوانان ریشه در ضعف نظارت و تربیت خانوادگی دارد. دوم آنکه نظام آموزشی باید برنامه‌هایی را برای شناسایی و حمایت از دانش‌آموزان در معرض خطر طراحی کند تا از بروز پدیده‌هایی مانند ترک تحصیل و طردشدگی آموزشی جلوگیری شود. سوم آنکه توسعه برنامه‌های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی برای نوجوانان می‌تواند فرصت‌های سالمی برای تخلیه انرژی و تقویت هویت اجتماعی آنان فراهم کند و از گرایش آنان به رفتارهای پرخطر جلوگیری نماید. همچنین لازم است رسانه‌ها با تولید محتوای آموزشی و فرهنگی مناسب، نقش فعال‌تری در آگاهی‌بخشی اجتماعی درباره پیامدهای بزهکاری ایفا کنند. در نتیجه، پیشگیری مؤثر از بزهکاری نوجوانان مستلزم همکاری و هماهنگی میان نهادهای مختلف اجتماعی است. خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، سازمان‌های اجتماعی و نظام عدالت کیفری باید در قالب یک رویکرد جامع و هماهنگ عمل کنند تا بتوانند زمینه‌های اجتماعی بروز جرم را کاهش دهند. اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند نه تنها به کاهش بزهکاری نوجوانان کمک کند، بلکه زمینه رشد سالم نسل جوان و ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه را نیز فراهم سازد.

## منابع

- غیوری نیا، پیمان، میر ابراهیمی، قربانی. (۲۰۲۳). تحلیل جرم‌شناختی عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان ارومیه در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۴. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰(۲۰)، ۱۷۷-۲۰۷.
- معصومه زارع شیخان مسکن. (۲۰۲۶). تحلیل جرم‌شناسی رابطه ترک‌تحصیل با گرایش به بزهکاری در نوجوانان. نشریه علمی مطالعات حقوق و علوم قضایی، ۲(۶)، ۸۱-۹۲.
- ملکوتی، نصیر، محسنی، فرید. (۲۰۲۳). پیشگیری جامعه مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان در محیط‌های آموزشی مجازی (با تأکید بر یافته‌های جرم‌شناسی). فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۸(۱۰۲)، ۲۰۷-۲۳۴.
- آقائی. (۲۰۱۸). کاربست جرم‌شناسی فرهنگی در تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تکیه بر مفاهیم کارناوال، آدرنالین و زندگی دوم. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۶(۱۱)، ۱۹۱-۲۱۴.
- اقای، دکترسارا. (۲۰۱۸). کاربست جرم‌شناسی فرهنگی در تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تکیه بر مفاهیم کارناوال، آدرنالین و زندگی دوم. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۱(۶)، ۱۹۱-۲۱۴.

- آقابابا، مصطفی زاده، فهیم، محمدبیک. تحلیل حقوقی-جامعه شناختی جرم شناختی بزه کاری کودکان خیابانی (از خانواده تا جامعه و صنعت). نشریه صنعت و دانشگاه، ۵۴(۵۵)، ۷۹.
- حبیبی جواد، مهدوی تلوکلایی مهنا. (۲۰۲۴). مطالعه تطبیقی تحلیل روان شناختی و جرم شناختی تأثیر محیط زندگی بر ارتکاب جرم توسط نوجوانان در ایران و آمریکا.
- صادقی، فروتن، ابراهیمی. (۲۰۲۱). رویکرد جرم‌شناختی به تهدید برخط دختران. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۷(۲۰)، ۲۱۵-۲۳۴.
- خاطری، برهان، مهرا، مهدوی ثابت، کارگری، نوروز. (۲۰۲۶). بازخوانی انتقادی واکنش به بزهکاری اطفال و نوجوانان در رویکرد جدید قانون‌گذاری. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳(۲۷)، ۴۵-۷۴.
- ری‌شهری. (۲۰۲۲). تحلیل کیفر شناختی مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۴۲(۸)، ۲۸۸-۳۰۸.
- داودی سالستانی، هاشمی، سید حسین. (۲۰۱۹). مبانی و قلمرو آموزه‌های کیفرشناسی نوین درزمینه بزهکاری نوجوانان با رویکرد تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۷(۱۴)، ۱۷۱-۱۹۷.
- کردی حاجی، آزاده، حاجی تبار فیروزجائی، کلانتری. (۲۰۲۲). عوامل خطرآفرین و پیشگیری‌کننده از بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه قضات، مددکاران اجتماعی و مدیران مدارس استان مازندران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۴)، ۲۲۹-۲۶۵.
- موسوی فراز سیدمحمدرضا. (۲۰۲۱). تاثیرات متقابل ویژگی های شخصیتی و روان شناختی نوجوانان بزهکار، پیشگیری از آن با تاکید بر آموزه های روانشناسی جنایی در عملکرد پلیس.
- کردعلیوند، مبارکی. (۲۰۱۹). بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان (مطالعه تطبیقی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرهای خرم‌آباد و یزد). پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۷(۱۳)، ۱-۳۶.
- باقری، نفیسه، عظیم‌زاده، شادی، مهرا، نسرين، مهدوی‌ثابت. (۲۰۲۳). رویارویی با پایداری بزهکاری در سایه بایسته های جرم‌شناسی رشدمدار. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۵۴(۱۸)، ۸۳-۱۰۸.
- کارگری، نوروز. (۲۰۲۴). جزیره سرگردانی؛ مروری جرم‌شناختی بر رمان سالتو. پژوهش های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۶)، ۱-۲۳.